

# نقش حکومت صفوی در فراز و فرود نهاد وقف

دکتر محمد شورمیچ

## چکیده:

عمل وقف شامل حالات متنوعی از اهدای زمین تا ساخت اماکن مختلف و بهره‌برداری از امکانات آن می‌شود که طبق وصیت واقف، عموم مردم از سود آن بهره‌مند می‌گردند. با گسترش املاک وقفی و ضرورت تأسیس نهاد وقف در عصر صفویه، اداره آن بر عهده مقام صدر گذاشته شد. در این دوره با توجه به سیاست حکومت، نهاد وقف و مقام صدر سیر صعودی و نزولی را طی کرد. لذا مسأله اصلی پژوهش، بررسی نقش حکومت صفوی در تحول نهاد وقف و مقام صدر است که باروش توصیفی و تحلیلی به آن پرداخته شده است. اهمیت و ضرورت پژوهش در این است که نهاد وقف در کسب مشروعیات سیاسی و مستمندان بود، لذا شناسایی و تبیین آن از اهمیت و ضرورت برخوردار است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، سلاطین صفوی برای کسب مشروعیات، تقویت تشیع و اهداف اقتصادی و اجتماعی خود به وقف روی آوردند. روش پژوهش در این تحقیق از نوع کتابخانه‌ای و به صورت تبیین و تحلیل منطقی داده‌های تاریخی است.

## کلید واژه‌ها:

نهاد وقف، مقام صدر، حکومت صفوی، شاهان صفوی.

## مقدمه

عمل وقف که در جوامع مسلمین به شکل منسجم و سازمان یافته وجود دارد، سنتی است که مسلمانان به عللی از جمله رضایت الهی، مقداری از اموال خود را به عموم مردم اختصاص می دادند تا از آموزش و بخشش الهی در روز قیامت برخوردار شوند. این عمل زمینه های متعددی از اهدای زمین تا ساخت اماکن مختلف و بهره برداری از امکانات آن را شامل می شود و طبق سفارش و وصیت واقف، مردم هر عصر از سود حاصله آنها بهره مند می گردند. عمل وقف با احتساب این که اصل مال دست نخورده باقی می ماند، نسبت به سایر موارد ارث مزیت بارزی دارد. چون کوچک یا محو نمی شود، لذا زمین یا بنا در آن وجود دائمی پیدا می کند. موقوفات گستره وسیعی از اموال منقول و غیر منقول از جمله اراضی مزروع، آسیاب ها، نهرها، مؤسسات و کارگاه های صنعتگری و دکان ها را شامل می شود که به سود تأسیسات مذهبی از قبیل مساجد، مدارس، خانقاه،

مراقد اولیا و سلاطین و حتی بنگاه های خیریه و غیره اختصاص داده شده باشد. همچنین یکی از وظایف تاریخی اوقاف، تأمین درآمد سادات و علمای دینی بود. لذا تمامی این مسائل باعث ایجاد دیوان موقوفات برای نظارت بر اموال وقفی شد.

هدف پژوهش در این مقاله، بررسی و تحلیل نقش حکومت صفویه در تحول نهاد وقف و مقام صدر است. از آن جای که اراضی وقفی در تقویت منابع اقتصادی دولت صفوی و همچنین در تأمین درآمد سادات، علمای دین و مستمندان و توسعه اماکن اجتماعی و فرهنگی عصر صفوی مؤثر بوده، لذا تشریح و تحلیل آن دارای ضرورت و اهمیت ویژه ای است.

مسأله اصلی پژوهش مذکور عبارت است از:

۱. تحول نهاد وقف و مقام صدر در عصر صفویه چگونه صورت گرفته است؟

۲. نقش حکومت صفویه در تحول نهاد وقف و مقام صدر چگونه بوده است؟

«تشیع و وقف در عصر صفوی» دارد که مجموعه مقالات خود را در کتابی به نام در باب اوقاف عصر صفوی به چاپ رسانده است.

همچنین منصور صفت گل در کتاب «ساختار نهاد و اندیشه دینی در ایران عصر صفوی» و مک چسنی در مقاله «وقف و سیاست ملی در دوره صفوی» تحقیقاتی خوبی در زمینه وقف انجام داده‌اند. در این پژوهش سعی شده است با استفاده از پیشینه تحقیق مذکور، نقش حکومت صفوی در تحول نهاد وقف و مقام صدر بررسی و تبیین شود.

### پیشینه وقف در ایران

وقف سنت حسنه‌ای است که از دیرباز به اشکال گوناگون در تاریخ بشریت وجود داشته و اسلام آن را در مسیری روشن، منطقی و هدف‌دار قرار داده است. در ایران باستان انجام کارهای عام‌المنفعه رایج بوده و انواعی از تخصیص اموال و املاک به معابد و امور خیریه و افراد وجود داشته که از جهاتی شباهت‌هایی با وقف

فرضیه اصلی که در راستای مسائل تحقیق مطرح می‌شود این است که در عصر صفویه، نهاد وقف دچار تحول عمده‌ای شده و سلاطین صفوی به دلایلی از جمله مشروعیت مذهبی، گسترش تشیع و مسائل اقتصادی و اجتماعی آن را توسعه داده و در کنترل خود گرفتند.

روش تحقیق به شیوه کتابخانه‌ای و انجام آن با گردآوری اطلاعات و بر مبنای منابع اصلی، تحقیقات جدید و تطبیق داده‌ها با یکدیگر از طریق روش تحقیق علم تاریخ می‌باشد.

### پیشینه تحقیق

در زمینه وقف مقالات متعددی به نگارش درآمده است. در بررسی روند تاریخی وقف در عصر صفویه، خانم نزهت احمدی در رساله دکترای خود به نام «نهاد وقف، دگرگونی و کارکردهای فرهنگی و مذهبی آن در عصر صفوی» مطالب ارزشمندی ارائه داده است. وی مقالات متعددی از جمله «درباره ساختار نهاد وقف در عصر صفوی» و

داشت. در ایران باستان پرستشگاه‌ها، معابد و آتشکده‌های سراسرکشور دارای موقوفات وسیعی بودند، اجاره املاک موقوفه آنها، هزینه‌های آتشکده و حقوق موبدان و هیربدان را تأمین می‌کرد.<sup>۱</sup>

با فتح ایران توسط اعراب و سلطه آنها بر اراضی مفتوحه ایران، نوع جدیدی از اراضی که وقف عام یا امور خاصی می‌شد، شکل تازه‌ای پیدا کرد. به طور کلی در تاریخ ایران بعد از اسلام، روند تبدیل اراضی به زمین‌های وقفی در دوره سلجوقیان بیش از بقیه سلسله‌ها بود. آنها تشکیلات مذهبی را در دایره تشکیلات حکومتی خود محدود کردند، لذا متولیان اوقاف تابع قدرت حاکم سلجوقی بوده و حاکم بر عواید اوقاف و طرز اداره آنها نظارت داشته است.<sup>۲</sup>

در عهد ایلخانان مغول تا دوره غازان خان که عموماً بت پرست یا غیرمسلمان بودند، املاک وقفی مصادره شد ولی با مسلمان شدن غازان خان، املاک وقفی افزایش چشمگیری

یافت. غازان خان در راستای اقدامات اصلاحی خود، سپاهیان مغولی را از تصرف زمین‌ها و املاک وقفی برحذر داشت.<sup>۳</sup> این اقدام غازان خان، گویای ضبط و تصرف املاک و اوقاف توسط اشراف مغولی قبل از اصلاحات غازانی در این عصر می‌باشد. در زمان آخرین ایلخان (ابوسعید) این روند افزایش یافته و بسیاری از اراضی به موقوفه تبدیل شدند.<sup>۴</sup> با این همه بخشی از املاک وقفی کماکان در تصرف بزرگان مغول باقی ماند. در همین دوره وقف املاک به نفع کلیسای مسیحیان یا یهودیان رایج شد، درحالی که این کارخلاف قانون وقف در فقه اسلام بود. در ادامه این روند، املاک وقفی کلیسا در دوره جهان‌شاه قراقوینلو با معافیت‌های مالیاتی همراه بود و در دوره صفویه نیز این روند تداوم یافت.<sup>۵</sup>

### سیاست شاهان صفوی در تحول وقف از شاه اسماعیل اول تا شاه عباس اول

با تأسیس حکومت صفوی در

آغاز قرن دهم هجری به وسیله شاه اسماعیل (۹۰۷-۹۳۰ ه.ق)، تلاش بیش از دو قرن نهضت صفویان به نتیجه رسید و هرج و مرج‌های سیاسی و حکومت‌های ملوک الطوائفی دوره تیموری به پایان رسید. ضمن آن که با رسمی کردن مذهب تشیع، دوباره وحدت مذهبی و سیاسی ایران بعد از سقوط دولت ساسانی، رقم خورد.

این نظریه قدیمی که سلطان مالک مطلق همه زمینهاست، از سوی حکومت صفوی نیز دنبال شد. حکومت فردی و استبدادی بر طبق نظریه حق‌اللهی سلطنت شاه مانند گذشته استمرار یافت. نظریه حق مطلق مالکیت شاه، این انگیزه را در بین شاهان صفوی یا حداقل مؤسس آن به وجود آورد که هر منطقه از کشور را ملک خاص خود تلقی کرده و بسته به نظر خود آن را در بین زیردستان تقسیم کند. از جمله این که، شاه برای حل مشکل پرداخت حقوق سپاهیان، به فرماندهان سپاه قبایل چادرنشین زمین اعطا کرد. آنها تحت امر پادشاه در

ولایات خود فرمان می‌راندند و بسته به مقام‌شان بیگلر بیگی، خان، سلطان و بیگ نامیده می‌شدند.<sup>۶</sup>

همچنین از شیوه‌های دیگر عطایای شاهانه، سیورغال بود که اعطای زمین به سادات، علما و فضلا اطلاق می‌شد.<sup>۷</sup> سیورغال از سده یازدهم هجری به بعد معافیتی بود که بیشتر به زمین‌های موقوفه داده می‌شد، هر چند به زمین‌های بایر یا خالصه نیز سیورغال تعلق می‌گرفت.<sup>۸</sup> در دوره صفوی برای تشویق مهاجرت علمای درجه اول شیعه به ایران و تقویت مبانی ایدئولوژیک دولت صفوی، اعطای زمین به علمای دینی با شدت بیشتری ادامه یافت. دولت صفوی می‌کوشید با این شیوه، زمینه را برای فعالیت علما و تقویت ساختار دینی آماده کند. فرمان‌هایی که طهماسب اول برای عزالدین حسین بهایی و محقق کرکی در زمینه واگذاری زمین و معافیت مالیاتی داده بود، از جمله این اقدامات می‌باشد.<sup>۹</sup>

نکته قابل توجه این که وقفیات

موجب گسترش تشیع در این عصر شد و همچنین جنبه‌های تبلیغاتی برای این مذهب داشت. زیرا موقوفاتی وجود داشتند که برای انجام مراسم مذهبی، تعلیم و تربیت وقف شده بودند. کارکرد این موقوفات با سیاست دینی حکومت صفوی هماهنگ بود.<sup>۱۰</sup> لذا در طی حکومت صفوی به خاطر سیاست مذهبی پادشاهان این سلسله و ایجاد یک حکومت دین سالارانه، وقف گسترش بسیاری یافت. نهاد وقف پیش از صفویان بود اما تنها تفاوت آن با این دوره، تغییر کارکرد آن است. با رسمیت یافتن مذهب تشیع در دوره صفوی، کارکرد نهاد وقف در خدمت آن درآمد و خود را با نیازها و احتیاجات آن منطبق کرد.<sup>۱۱</sup> بنابراین، در دوره صفوی با موقوفاتی گسترده‌ای نسبت به زمان قبل روبه رو هستیم که جهت اعیاد، مراسم مذهبی و زیارت اماکن متبرکه وقف شده‌اند. بیشتر هزینه‌های ساخت بناهای مذهبی و تجهیزات آن غالباً از موقوفات تأمین می‌گردید. لذا در سایه حمایت موقوفات، مراسم مختلف

مذهبی رونق گرفت و بناهای مذهبی توسعه یافت و شاهان صفوی علاوه بر مشارکت در امر موقوفات، مبالغ هنگفتی را صرف مرمت و بازسازی اماکن مذهبی نمودند.<sup>۱۲</sup>

شاهان صفوی در ادامه روند عمل وقف، املاک بسیاری را وقف بقاع متبرکه شیعه به خصوص امام رضا علیه السلام و خواهرشان حضرت معصومه علیها السلام در قم کردند. منابع از وقف شاه اسماعیل اول در قریه ارجان فارس به سلطان احمد<sup>۱۳</sup> و تأیید فرمان موقوفات سلاطین قبلی مانند فرمان ماه جمادی الاول سال ۹۱۸ ه.ق در تأیید اوقاف قم و فرمان معافی املاک مدرسه منصوریه شیراز مطابق فرمان سلطان یعقوب آق قویونلو گزارش می‌دهند.<sup>۱۴</sup> اما در مجموع، شاه اسماعیل اول به خاطر مشکلات تثبیت حکومت و درگیرهای داخلی و خارجی، نتوانست به ایجاد بناهای بزرگ وقفی بپردازد.

طی دوران طولانی فرمانروایی شاه طهماسب اول (۹۳۰-۹۸۴ ه.ق) نهاد وقف شکل گرفت و شاه خود واقف

بزرگ بود. او مقدار زیادی موقوفه برای آستانه حضرت عبدالعظیم علیه السلام در ری معین کرد. همچنین به دلایل مذهبی و سیاسی به عراق عرب توجه ویژه داشت و اراضی وقفی بسیاری در عراق عرب به خاندان کرکی وقف کرد<sup>۱۵</sup>. در دوره شاه طهماسب اول، وقف در قزوین که پایتخت بود رونق یافت و موقوفاتی بر آستانه شاهزاده حسین قزوین وقف کردند<sup>۱۶</sup>. همچنین شهر قم نیز مورد توجه شاه قرار گرفت و موقوفاتی بر حرم حضرت معصومه علیها السلام وقف کردند<sup>۱۷</sup>. علاوه بر شاه، از فرزندان و نزدیکان شاه نیز در زمینه واگذاری اراضی وقفی در منابع گزارش‌هایی ذکر شده است. مهین بانو دختر شاه اسماعیل، املاکی را در شیروان، تبریز، ری و اصفهان وقف چهارده معصوم کرده است<sup>۱۸</sup>. شرف نساء بیگم دختر دیگر شاه طهماسب اول، قریه‌هایی را در دزفول<sup>۱۹</sup> و شاه بیگی بیگم (معروف به شاه تاجلو بیگم) همسر شاه اسماعیل اول نیز در ورامین و قم، زمین‌هایی را وقف اماکن مقدسه

کردند<sup>۲۰</sup>.

در نتیجه شاه اسماعیل و شاه طهماسب اول صفوی، برای مشروعیت سیاسی و مذهبی خود مبادرت به وقف کردند. تقویت مبانی تشیع که ایدئولوژی رسمی دولت صفوی بود، از طرق مختلف امکان پذیر بود؛ یکی از راه‌های آن، وقف املاک برای سرمایه‌گذاری در بازسازی اماکن مقدس مذهبی و حمایت مالی برای اجرای مراسم مذهبی و حمایت از خادمان اماکن مقدسه و علمای دینی بود. شاه اسماعیل و شاه طهماسب اول صفوی به‌عنوان سلاطین شیعه و حتی نماینده نائین امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیوم، این گونه حمایت‌ها را وظیفه خود دانسته و عدم اجرای آن را لطمه به مشروعیت حکومت خود تلقی می‌کردند. برای نمونه شاه طهماسب اول در تذکره خود کار وقف خود را مأموریتی از سوی امام علی علیه السلام جلوه می‌دهد و ادعا می‌کند که هنگام جنگ با ازبکان، حضرت علی علیه السلام را در خواب دیده و به او سفارش کرد که بعد از فتح سمرقند،

گنبدش را همانند گنبد امام هشتم علیه السلام بسازند<sup>۲۱</sup>. لذا شاهان صفوی از زمان تأسیس حکومت، در فکر تقویت و گسترش اراضی وقفی برای تحقق اهداف سیاسی و مذهبی خود بودند.

در زمان سلطنت کوتاه مدت سومین شاه صفوی یعنی شاه اسماعیل دوم (۹۸۴-۹۸۵ ه.ق) که حدود ۱۶ ماه طول کشید و از لحاظ روحی به دلایل زندانی طولانی وضعیت مناسبی نداشت، یک سری اقدامات مذهبی شتاب آلودی صورت گرفت<sup>۲۲</sup>. تمایلات ضد شیعی شاه و حمایت از علمای تسنن<sup>۲۳</sup>، وی را بر آن داشت که علمای شیعه را از مسندهای حکومتی برداشته و به بهانه خیانت متولیان اوقاف، دست آنها را از اراضی وقفی کوتاه کند و تولید کلیه زمین‌های وقفی را خود به عهده گیرد<sup>۲۴</sup>. این عوامل به همراه تصفیه خونین اطرافیانش، زمینه‌ساز نارضایتی‌های گسترده‌ای علیه شاه اسماعیل دوم شد که ضد شیعی نامیدن وی یکی از آنها بود. به همین دلیل شاه اسماعیل دوم برای جلب قلوب مردم و

نشان دادن ارادت خود به امامان شیعه دستور داد بر روی سکه‌هایش این بیت شعر نقش بسته شود:

ز مشرق تا به مغرب گر امام است  
علی و آل او ما را تمام است<sup>۲۵</sup>

بعد از شاه اسماعیل دوم، برادرش محمد خدابنده (۹۸۵-۹۹۶ ه.ق) به قدرت رسید. مهم‌ترین ویژگی حکومت او ضعف مفرط جسمانی و هرج و مرج سیاسی بود. نتیجه مستقیم این اوضاع، خودسری امرای قزلباش و ایجاد حکومت‌های محلی و هجوم عثمانی به مرزهای ایران و حتی تصرف تبریز پایتخت سابق ایران بود. در نتیجه، بین فواصل زمانی شاه اسماعیل دوم و محمد خدابنده، پیشرفتی در امور وقفی صورت نگرفت و حتی به خاطر حوادث سیاسی پیش آمده، مشروعیت صفوی دچار چالش شد.

## توسعه وقف در زمان شاه عباس اول و نگرش شاه صفوی نسبت به آن

با هرج و مرج‌های زمان سلطان

محمد خدابنده، طرفداران شاهزاده عباس فرزند شاه با کودتایی آرام قدرت را در دست گرفتند و شاه عباس اول را به تخت شاهی نشانند (۹۹۶ ه.ق). شاه عباس اول با درایت خود حکومت‌های محلی سراسر ایران را یکی بعد از دیگری به سلطه خود درآورد و بعد از یک دهه توانست دولت‌های متجاوز را از قلمروش عقب براند.

اصلاحات ساختاری شاه عباس اول در طی حکومت طولانی‌اش که چهار دهه به درازا کشید، باعث ایجاد ثبات و امنیت اجتماعی کشور شد. ضمن آن‌که با رشد و شکوفایی اقتصادی و تقویت مرکزیت سیاسی و توسعه تشکیلات مذهبی، زمینه احیای اراضی به‌خصوص اراضی وقفی در کشور دوباره فراهم شد.

شاه مانند اسلافش، وقفیات خود را به اماکن مذهبی و متبرکه امام هشتم علیه السلام و خواهرشان حضرت معصومه علیه السلام اختصاص داد. انگیزه‌اش از این کار، کسب مشروعیت سیاسی و تملک قانونی و شرعی بر اراضی بود.

شاه عباس اول، طی فتوحات داخلی مرغوب‌ترین زمین‌های ایالات کشور را با عنوان خاصه به خود اختصاص داد. این کار شاه در نگاه مردم نوعی غصب زمین محسوب می‌شد و در نتیجه مشروعیت سیاسی سلطنتش زیر سؤال می‌رفت. شاه برای رفع این مشکل، دست به وقف زمین زد و با این کار توانست عواید زمین را به طور شرعی و قانونی به خود اختصاص دهد. زیرا با این کار، شاه متولی زمین‌هایش می‌شد و عایدات آن را به صوابدید خود خرج می‌کرد. البته این سیاست مختص شاه نبود، زبردستان لشگری و کشوری نیز وقتی چنین زمین‌های نامشروعی را مملک می‌شدند، عواید آن را با تولیت حلال کرده و با این کار فکر می‌کردند از مکافات عمل جلوگیری می‌کنند. شاردن با نگاه خوش‌بینانه‌تر، این نوع وقف را جبران لغزش و خطای زمین‌هایی را که از راه نادرست به دست آورده‌اند، می‌داند و عنوان می‌کند شاه عباس به همین نیت، هرچه داشت وقف کرد<sup>۲۶</sup>.

با آغاز پادشاهی عباس اول، اراضی وقفی تحولی شگرف به خود گرفت و اوج آن توجه به بارگاه امام رضا علیه السلام بود. بر اثر تهاجم ازبکان به خراسان و تصرف مشهد، خسارات زیادی به مزارع و اوقاف آنجا وارد شد. شاه بعد از دفع آنها، به ساماندهی اوقاف مشهد پرداخت و با ساخت بناها و اهدای موقوفات برای رفاه زائرین امام رضا علیه السلام، بافت شهری مشهد را توسعه داد.<sup>۲۷</sup>

شاه عباس اول در سال ۱۰۱۱ق/۱۶۰۲م تمام اراضی عمارت آستانه مقدس امام رضا علیه السلام را وقف کرد. هدف از وقف، ایجاد فضاهای بیشتر برای افرادی بود که آرزو داشتند در جوار امام هشتم علیه السلام در صحن حرم دفن شوند. پول مطالبه شده از مردم برای دفن، بر اساس فاصله محل دفن ایشان از مزار امام رضا علیه السلام بود.<sup>۲۸</sup>

مرکز مذهبی دیگری که مورد توجه شاه قرار گرفت، مقبره شیخ صفی الدین اردبیلی بود که از دوره تیمور موقوفات خود را در تملک داشتند.<sup>۲۹</sup> شاه عباس اول علاقه وافری به سرزمین اجدادی

خود داشت، لذا به عمران آن توجه ویژه کرد. افرادی مانند شیخ ابدال زاهدی و برادرش که تولیت بقعه شیخ صفی را در دست داشتند، اراضی زیادی را وقف بقعه نمودند و با آباد کردن مزارع و احداث قنات بر ثروت بقعه افزودند.<sup>۳۰</sup>

شاه عباس اول به اماکن متبرکه عراق اهتمام خاص داشت. او دهکده نجف آباد اصفهان را وقف نجف اشرف کرد.<sup>۳۱</sup>

مهم‌ترین اقدام وقفی شاه، وقف تمام اموال و املاک خاصه خود به چهارده معصوم علیهم السلام بود. اسکندریک منشی در سال ۱۰۱۵ هـ.ق قوی نیل می‌نویسد: «...جمع املاک و رقبات مکتسبه خاصه خود را که در زمان دولت روزافزون در حیطه تملک و تصرف شرعی آن حضرت قرار گرفته بود و قیمت عادلانه آن زیاده از یکصد هزار تومان شاهی عراقی و حاصل آنها بعد از وضع مؤونات زراعت به تسعیر وسط قریب هفت هزار تومان می‌شد، مع خانات عالیه و قیصریه و چهار

بر اساس نیازهای زمان مصرف شود و در آن، خادمان، مجاوران، زائران، صاحبان تقوی و کمال، پرهیزگاران، نقیبان و طالبان علم به عنوان دریافت کنندگان احتمالی درآمد وقف اشاره شده است، مشروط بر آن که متولی صلاح بداند. دومین گروه موقوفات احتمالی یعنی کتاب‌های عربی و قرآن‌ها به حرم مطهر امام رضا علیه السلام در مشهد<sup>۳۴</sup> و سومین گروه به زیارتگاه اردبیل منتقل شدند<sup>۳۵</sup>. شیخ بهاء‌الدین عاملی برای تمامی آنها وقفنامه نوشت و تولیت آن با شاه و پس از او، به شاهان بعدی سپرده شد<sup>۳۶</sup>.

در بهار سال ۱۰۲۰ق/۱۶۱۱م، شاه عباس اول دستوری مبنی بر ساخت مسجد جامع بزرگ در جانب شرقی و شمالی میدان نقش جهان صادر نمود<sup>۳۷</sup>. شاه دارایی‌های تجاری و کشاورزی داخل و حومه شهر اصفهان را به مسجد شاه هبه کرد و وقفنامه توسط بهاء‌الدین عاملی در شعبان ۱۰۲۳ق/۱۶۱۴م تنظیم شد<sup>۳۸</sup>.

در سال ۱۰۲۱ق/۱۶۱۲م، شاه عباس

بازار دور میدان نقش جهان اصفهان و حمامات آن در بلده جنت نشان ترتیب یافته وقف حضرات عالیات مقدسات چهارده معصوم علیهم السلام فرمودند...<sup>۳۲</sup>. ظاهراً منظور اسکندریک از تمام دارایی‌ها، دارایی‌های شخصی و کل مستقلات خصوصی شاه می‌باشد و شامل دارایی‌هایی مثل درآمدهای مالیاتی، تجاری و کشاورزی که شاه در مورد آنها حق واگذاری داشته، نمی‌شد. به گزارش اسکندریک این وقف به نیت چهارده معصوم علیهم السلام صورت گرفته بود و موقوفات مشتمل بر سه گروه بودند: ۱. خانات، قیصریه، چهار بازار اطراف میدان و حمام‌ها در اصفهان، ۲. وقف قرآن و کتاب‌های عربی شامل فقه، حدیث و تفسیر و ۳. کتاب‌های فارسی شامل داستان‌ها، تواریخ و دواین و مصنفات اهل عجم و ظروف چینی، جواهرات، ظروف طلا، نقره و گونه‌های متنوع از اسب‌ها و دیگر چهارپایان اهلی<sup>۳۳</sup>.

به استناد عالم آرای عباسی، قرار بود که درآمد خالص اولین گروه موقوفات

اول در یک سفر زیارتی به مشهد مقدس، پس از زیارت حرم امام رضا علیه السلام، عملیات احیای بنای حرم را آغاز کرد<sup>۳۹</sup>. همچنین در زمستان ۱۰۲۱ هـ.ق بر عملیات یک کانال آبرسانی در مشهد نظارت داشت و در سال ۱۰۲۳ هـ.ق آن را وقف کرد<sup>۴۰</sup>. اموال وقف شده شامل کل مسیر آب از «چشمه گل شب» در حومه شهر مشهد می شد و در آمد حاصله از فروش آب برای آبیاری، باید صرف نگهداری کاروانسرای زوار می شد<sup>۴۱</sup>.

وقفیات شاه عباس اول از بُعد عقیدتی دارای دو جنبه بود: اول، وقفیات مذهبی شیعه دوازده امامی، دوم، مشروعیت سیاسی صفویه که هر دو برای اقتدار حکومت شاه حساس و خطیر بود. لذا اقدامات وقفی که از جمله فعالیت های ملی شاه است، باید در چارچوب کلی نیاز مشروعیت صفوی در نظر گرفته شود. شاه عباس اول در شرایطی به سلطنت رسید که مشروعیت صفوی تحت شعاع بود. زیرا برخلاف دوره ۵۲ ساله سلطنت

شاه طهماسب اول، مشروعیت آنها در زمان شاه اسماعیل دوم و محمد خدابنده تضعیف شده بود.

علاوه بر آن، مسأله دیگری که در آغاز سلطنتش پیش آمد و میزان تعهد آنها را به اهل بیت علیهم السلام زیر سؤال می برد، مسأله حمایت و نگهداری از حرم مقدس و زیارتگاه های عتبات عالیات عراق عرب و مشهد مقدس بود. عتبات عالیات عراق عرب از دهه ۹۳۸ق/۱۵۳۰م در کنترل عثمانی سنی مذهب و شهر مقدس مشهد نیز از سال ۹۹۷ق/۱۵۸۹م در دست ازبک های سنی مذهب بود. لذا بازپس گیری شهر مشهد برای شاه مهم ترین موضوع سیاسی بود. حتی زمانی که در سال ۱۰۰۷ق/۱۵۹۸م به این هدف نائل آمد، باز هم مشروعیت آنها کامل نشد. زیارت غیرعادی شاه عباس اول با پای پیاده از اصفهان به مشهد، اقامت شاه در سه ماه رجب، شعبان و رمضان سال ۱۰۱۰ق/۱۶۰۱ و ۱۶۰۲م در حرم و انجام بخشش های شاه و همچنین اجرای اعمال متواضعانه در حرم<sup>۴۲</sup> را

می‌توان به‌عنوان تلاشی برای نشان دادن وفاداری حکومت صفوی به شیعه دوازده امامی و در نتیجه، تقویت پایه‌های مشروعیت صفوی در نظر گرفت. همچنین از دست رفتن مشهد در سال ۹۹۷ق/۱۵۸۹م، نه تنها آبروی صفوی را به واسطه عدم حمایت از شیعه دوازده امامی به خطر انداخت، بلکه توانایی آنها برای حمایت از آثار مقدس نیاکان‌شان را زیر سؤال برد. زیرا تعدادی از اعضای خاندان صفویه از جمله شاه طهماسب اول در مشهد دفن بودند.

لذا به احتمال فراوان، وقف اراضی عمارت آستانه مقدس مشهد توسط شاه عباس اول در سال ۱۰۱۱ ه.ق و مسأله تدفین در حرم مقدس، مدرکی دیگر در رابطه با مشروعیت سیاسی آنها بود. از سوی دیگر با نگاهی به کشور عثمانی در همین دوره، درمی‌یابیم که بازسازی استانبول در قرن پانزدهم میلادی و احیای مجدد دیگر نواحی تجاری عثمانی در قرون بعد از آن، عمدتاً به سرمایه‌گذاری‌های

وقف بستگی داشته است. ظاهراً شاه عباس اول نیز از روش مشابه عثمانی برای شکوفایی شهر اصفهان به‌عنوان پایتخت صفوی و نوسازی و تعمیر حرم امام رضا علیه السلام برای توسعه شهری مشهد استفاده کرده است<sup>۴۳</sup>.

شاه عباس اول در اصفهان میدان شاه را برای برگزاری جشن‌های ملی و مراسم ورزشی، در مرحله اول برنامه توسعه خود پیش‌بینی و طراحی کرده بود. اما در مرحله بعد، میدان شاه را برای اهداف تجاری توسعه داد و مغازه‌هایی در اطراف میدان ساخت و به محض تکمیل این طرح، آن را وقف نمود تا افراد در مکان جدید تجاری جذب شوند.

مورد مهم دیگر در سیاست اقتصادی شاه عباس اول، وقف برای مسجد شاه (جامع کبیر عباسی) بود. برحسب موقعیت مکانی و زمانی، ساخت مسجد شاه و وقف آن به‌عنوان بخشی از استراتژی تجاری شاه عباس اول بود. قبل از ساخت مسجد شاه، محورهای اصلی شهر اصفهان از میدان عباسی

می‌گذشت. تصمیم برای ساخت مسجد شاه، در منتهی الیه جنوب میدان، اگر با دید تجاری بررسی شود، می‌توان دریافت که مسجد را به امید جهت‌دهی دوباره به جریان مبادله تجاری ساخته است. شاه عباس اول انتظار داشت مسجد شاه، مشتریان را به بازار میدان شاه بکشاند<sup>۴۴</sup>. لذا اعطای وقف جهت مسجد شاه که مشترکاً توسط شاه عباس اول و محب علی بیگ انجام شد، عامل دیگری در برنامه‌ریزی تجاری بود. اعطای این وقف عاملی برای جلب مردم به مسجد و در نتیجه به محدوده بازار جدید بود که این عمل به طور غیرمستقیم به بازار جدید کمک مالی می‌کرد.

نتیجه این‌که، وقفیات شاه عباس اول بخشی از سیاست‌گذاری کلی وی در حیطه سیاسی و اقتصادی بود. لذا در پس عملکرد صوری شاه برای وقف، انگیزه‌ها و اهدافی وجود داشت که کاملاً با انگیزه تقرب به خدا و طلب و خشنودی وی متفاوت بود، به خصوص پس از این‌که موفق شد ثبات سیاسی

لازم را به دست آورد.

در زمان شاه عباس اول، گذشته از خاندان سلطنتی که بر وسعت زمین‌های وقفی می‌افزودند، در بین صاحبان املاک خصوصی نیز این تمایل پیدا شده بود که املاک خود را وقف کنند. علت این امر را باید در این حقیقت جست‌وجو کرد که زمین‌های وقفی به اندازه سایر زمین‌ها غصب نمی‌شد و مالکان با وقف کردن زمین‌های خود تا حدی موفق به حفظ آنها می‌شدند<sup>۴۵</sup>. زیرا از این راه خود و خانواده‌شان متولی اوقاف می‌شدند و در ضمن می‌توانستند قسمت اعظم عواید آن را به خود اختصاص داده و جایگاه اجتماعی قابل احترامی کسب کنند.

### سیاست حکومت صفویه در تحول مقام صدر

در دوره صفوی به علت تشویق پادشاهان به ترویج فقه شیعه، قدرت علمای شیعه افزایش یافت. این نیاز متقابل دولت و علمای دینی، زعامت

معنوی و سیاسی را به وجود آورد. یکی از نتایج آن، اداره برخی از تشکیلات دولتی مانند امور قضایی و اوقاف توسط روحانیون بود که از سنن قدیمی نشأت می‌گرفت و نهاد صدر در همین راستا قدرت گرفت. صدر مقامی روحانی بود که از دوره تیموری در ایران به وجود آمد اما صدر در دوره صفویه رییس نهاد مذهبی بود و قدرت خود را از تشکیلات سیاسی می‌گرفت.<sup>۴۶</sup>

شاه اسماعیل اول صفوی برای نظارت بر اشاعه تشیع و ریاست بر افراد طبقات روحانی، مقامی به نام صدر تعیین کرد. ویژگی مهم مقام صدر در دوره صفوی این بود که یک برگزیده سیاسی محسوب می‌شد و سلاطین صفوی از این مقام برای نظارت بر طبقات روحانی استفاده می‌کردند.<sup>۴۷</sup> بعد از شاه اسماعیل اول، وظایف صدر به طور عمده معطوف به اداره کلی نهاد مذهب و نظارت بر اوقاف شد، در نتیجه نفوذ سیاسی آن تنزل یافت.<sup>۴۸</sup>

اسکندر بیگ منشی نویسنده عالم

آرای عباسی در مورد وظایف صدر می‌نویسد: «منصب صدارت عبارت است از «تقدم سادات و ارباب عمایم و تکفل مهمات ایشان و ضبط اوقاف و رسانیدن وجوه بر معارف شرعیه است، به جز سادات عظیم‌القدر فاضل پرهیزگار به دیگری تفویض نمی‌باید...»<sup>۴۹</sup>.

در عهد شاه طهماسب یکم دو مقام صدر وجود داشت که همزمان مسئولیت داشته و بر اساس تفکیک جغرافیایی انجام وظیفه می‌کردند، هرچند وظیفه آنها تفکیک نشده بود.<sup>۵۰</sup> تاورنیه در مورد صدر می‌نویسد: «... اداره موقوفات مساجد و غیره با اوست که عایدات آنها را جمع‌آوری نموده، به مصارف معین وقف و مخارجی که خود او لازم بداند برساند، اما او قبل از سایر مصارف حق خود را برمی‌دارد»<sup>۵۱</sup>. کمپفر سیاح دیگر عصر صفوی و هم زمان با تاورنیه، وظیفه اداری اصلی صدر را مصرف صحیح درآمد حاصل از موقوفات می‌داند.<sup>۵۲</sup>

آنچه از نوشته‌های این دو سیاح

برمی آید، گویای تسلط کامل مقام صدر بر درآمد موقوفات است و نیز نشانه ثروت بسیاری است که نظارت بر موقوفات برای وی به ارمغان می آورد. از این رو لزوم وجود صدر و حساسیتی که شاهان صفوی بر این منصب داشته اند، مشخص می گردد.

البته از نظر قانونی صدر در صورتی می توانست برای موقوفات مباشر انتخاب کند که وقفنامه محدودیتی برای این کار قائل نشده باشد<sup>۵۳</sup>.

برطبق گزارش دستورالملوک منبع، در اواخر دوره صفوی، تعیین حکام شرع و مباشرین اوقاف و قضاوت درباره جمیع سادات، علما، شیخ الاسلام، وزرا و مستوفیان از وظایف صدر بود<sup>۵۴</sup>.

همچنین نویسنده تذکرة الملوک در زمان سقوط حکومت صفوی در مورد منصب صدارت می نویسد: «تعیین حکام شرع، مباشران اوقاف تفویضی و ریش سفید جمیع سادات و علما و مدرسان و شیخ الاسلامان، پیش نمازان و قضاة و متولیان و حفاظ و سایر خدمه مزارات و مدارس و مساجد و

بقاع الخیر و وزرای اوقاف و نظار و مستوفیان و سایر عمله سرکار موقوفات و محرران و غسلان و حفاران با اوست»<sup>۵۵</sup>. همچنین، عزل و نصب مباشرین موقوفات را از وظایف صدر عامه و خاصه ذکر کرده و تعیین وزرای اوقاف و سایر عمله سرکار موقوفات را با صدارت می داند<sup>۵۶</sup>.

در زمان شاه سلیمان، وظایف صدر تفکیک و به صدر عامه و صدر خاصه تقسیم شد<sup>۵۷</sup>. وظایف صدر خاصه، پرداختن به امور خالصه سلطنتی و وظایف صدر عامه، رسیدگی به املاک عامه مردم بود<sup>۵۸</sup>. لذا سیاست های دولت صفوی در افزایش و تنزل مقام صدر نقش مستقیمی داشت.

### نگرش حاکمیت صفوی نسبت به وقف از زمان شاه صفی تا سقوط حکومت صفویه

طی دوران فرمانروایی شاه صفی، موقوفات پراهمیت سلطنتی ایجاد نشد اما عمل وقف در خاندان سلطنتی به صورت تولیت موقوفات به شاه رسید،

منخصوصاً موقوفات چهارده معصوم علیهم السلام همچنان اهمیت خود را حفظ کرد. در ماه صفر سال ۱۰۳۸ ق/ ۱۶۲۹ م به روایت خلاصه السیر: «شاه صفی مبلغی را در وجه وظیفه طلبه علم و ارباب استحقاق مقرر فرمود...»<sup>۵۹</sup>. لذا اولین اقدام شاه صفی، اعطای حاصل املاک وقفی تحت عنوان «وظیفه» که نوعی کمک‌های مالی و جنسی محسوب می‌شد، به روحانیون بود<sup>۶۰</sup>. در عهد شاه صفی، بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی در اوج رونق و ثروت بود. آدام اولناریوس سیاح اروپایی از آن مکان بازدید کرد و با شگفتی از دارایی انبوه آن یاد می‌کند که از راه موقوفات سلطنتی، مالیات‌ها، صدقات و نذورات تأمین می‌شد<sup>۶۱</sup>.

در زمان شاه عباس دوم نیز اقداماتی در زمینه وقف صورت گرفت. بخشی از وقفنامه‌های این دوره از سوی خاندان سلطنتی وقف شده و بیشتر آن مربوط به وقف کتاب به ویژه قرآن کریم است که عمدتاً بر آستانه مقدس قم وقف شده‌اند. در این دوره وقف بر اولاد رواج یافت؛ برای نمونه در سال

۱۰۵۲ هـ. ق آقا میر روح‌الله حسینی استرآبادی، یک خانه به همراه باغچه و زمین بر اولاد ذکور خود وقف کرده است<sup>۶۲</sup>.

در این دوره به‌خاطر گسترش تبدیل اراضی ممالک به خاصه، تعداد موقوفات افزایش یافت. در نتیجه اداره آن به‌خاطر احتمال طمع‌ورزی افراد برای دستیابی به درآمد موقوفات دشوار و حتی پاره‌ای آشفستگی در امور موقوفات دیده می‌شد، لذا انجام برخی اصلاحات ضروری به نظر می‌رسید. به همین دلیل، شاه عباس دوم در پی شکایت‌های که از «نظرعلی خان» حاکم و متولی اردبیل شد، او را برکنار کرد. وحید قزوینی در این زمینه می‌نویسد: «به علت سلوک ناهنجار و شکایات رعایا و تصرف موقوفات سرکار آستانه مقدسه معزول و محبوس گشته، اموال و اسباب او در عوض تغلبات و تصرفات مزبور ضبط شد...»<sup>۶۳</sup>.

در ادامه شاه عباس دوم، اقدامات عملی‌تری برای سروسامان بخشیدن به موقوفات انجام داد. به نوشته

وحید قزوینی در موقوفات چهارده معصوم علیهم السلام که تولیت آن با پادشاه بود، نابسامانی در سال ۱۰۶۶ق/ ۱۶۵۶م رخ داد، «... امر فرمودند که وظایف جماعت مستوفی که دادوستد آن با صدور بود اشرف به دیگری داده نشود و عوض وجه وظیفه غلامان موظف نواب گیتی ستان را از وجوهات سرکار خاصه داده به اندک توجهی که در این باب فرمودند مبلغ‌های کلی در مستغلات و سایر وجوهات آن زیاده بر وجوهات سنوات به هم رسیده...»<sup>۶۴</sup>. در نتیجه شاه عباس دوم «وظیفه» را که به علت فزونی مستمری بگیران آن دچار کسری بودجه شده بود، اصلاح کرد. در همین راستا، اسامی کسانی که فوت کرده بودند اما کماکان وارث آنها از آن بهره می‌بردند را حذف و به غلامان نیز از وجوهات خاصه خود اعطا کرد، بدین ترتیب مشکل فوق، حل و فصل گردید<sup>۶۵</sup>.

دومین اقدام شاه عباس دوم، مهار قدرت صدر بود. شاردن سیاح و جواهرشناس معروف فرانسوی، ارزش

املاک موقوفات و عایدات آنها را به درستی اشاره می‌کند و در مورد موقوفات مشهد معتقد است که بیش از دوسوم درآمد واقعی را به شاه نشان نمی‌دادند<sup>۶۶</sup>. این عوامل زمینه‌های قدرت و ثروت هنگفت را برای مقام صدر فراهم می‌کرد. به همین دلیل شاه عباس دوم مراقبت و نظارت خود را در امور کشور، خصوصاً املاک وقفی بیشتر و متولیان مختلف را عزل و مقام صدر را در کنترل قدرت خود درآورد. در این زمان، از طرف درباریان نیز موقوفاتی صورت گرفت. یک نمونه آن محمد شفیع اصفهانی است که در سال ۱۰۶۷ق/ ۱۶۵۷م مدرسه شفیعیه اصفهان را ساخت و آن را وقف طلبه علوم دینی تشیع کرد<sup>۶۷</sup>.

در دوره شاه سلیمان، اوقاف سلطنتی رونقی نداشت. شماری از وقفنامه‌های این دوره در قم موجود و بیشتر شامل وقف نسخه‌هایی از قرآن یا دیگر کتب بر آستانه مقدس حضرت معصومه علیها السلام است. درباریان نیز در این زمان وقف‌هایی داشته‌اند، یکی

از مهم‌ترین آن موقوفاتی بود که شیخ علی خان زنگنه اعتمادالدوله در سال ۱۱۰۰ق/۱۶۸۹م برای مدرسه‌ای در همدان که خود بانی آن بود، وقف کرد. نکته مهم این وقفنامه، ممانعت واقف از پرداختن مدرسان و طلاب به حکمت، فلسفه و تصوف است و در صورت انجام آن، وظیفه آنها قطع می‌شد.<sup>۶۸</sup> این اقدام بیانگر وجود تفکر مخالف صوفی‌گری، فلسفه و همچنین تسلط علمای اخباری و اهل حدیث بر دربار صفوی در زمان شاه سلیمان است.

گزارش سیاحان اروپایی درباره اوقاف در زمان شاه سلیمان نیز قابل تعمق است. کمپفر که در این زمان در ایران بود، می‌نویسد: «شاه فعلی موقوفات خود و اجدادش را شخصاً اداره می‌کند»<sup>۶۹</sup>؛ همچنین در جای دیگر آورده «از زمانی که صدر خاصه شغل خود را از دست داد، شاه سلیمان شخصاً به امور موقوفات سلطنتی رسیدگی می‌کرد...»<sup>۷۰</sup>. سانسون سیاح دیگر اروپایی، به نکته ظریفی اشاره دارد و آورده است هرکسی که در مشهد به

خاک سپرده می‌شود، نفیس‌ترین اشیاء و املاک خود را وقف امام هشتم علیه السلام می‌کرد، بدین گونه گنجینه گرانمایی در مشهد فراهم می‌شد.<sup>۷۱</sup> جملی کارری، سیاح دیگری که در اواخر پادشاهی شاه سلیمان و آغاز سلطنت سلطان حسین از بقعه شیخ صفی دیدن کرد، معتقد است اکثر درآمد نواحی بقعه که به هشتاد هزار لیره طلا می‌رسد، نه از آن بقعه است و نه به اشخاص بی بضاعت می‌رسد، بلکه به اشخاص خاص می‌رسد.<sup>۷۲</sup> این روایت کارری، بیانگر این نکته است که درآمد وقف بقعه شیخ صفی و اراضی موقوفه اطراف آن تحت کنترل کامل دربار شاه و خارج از نهاد صدر بود. در این دوره مسجد جامع کبیر یزد از مکان‌هایی بود که اراضی وقفی زیادی در شهر و حومه یزد داشت.<sup>۷۳</sup>

در دوره سلطنت سی ساله شاه سلطان حسین، موقوفات سلطنتی دوباره رونق گرفت و شماری از وقفنامه‌های این دوره درباره وقف کتاب بر آستانه‌های متعدد از جمله قم می‌باشد.

از بزرگ‌ترین مجموعه وقفی این دوره، اوقافی بود که شاه برای مدرسه سلطانی اصفهان برقرار کرد. شاه سلطان حسین برای تأسیس مدرسه و مسجد آن، زمینی را در کنار خیابان چهارباغ اصفهان وقف کرد<sup>۷۴</sup>. از موقوفات مهم دیگر سلطان حسین، موقوفه‌ای بود که در سال ۱۱۲۴ق/ ۱۷۱۲م در فارس وقف بر اولاد کرد. علاوه بر شاه، مریم بیگم از خاندان سلطنتی در سال ۱۱۱۵ق/ ۱۷۰۳م موقوفه‌ای برای ساخت مدرسه و آقاکمال خواجه با نفوذ دربار سلطان حسین، موقوفه‌ای برای بنای مدرسه حسینه داشت<sup>۷۵</sup>. نکته قابل توجه در وقفنامه مریم بیگم این است که در وقفنامه خود تصریح کرد، باید در ایام ماه رمضان و محرم در مدرسه روضه سیدالشهداء علیهم‌السلام خوانده شود<sup>۷۶</sup>. این سند نشان می‌دهد خاندان صفوی برای گسترش آیین تشیع و احیای آداب و مراسم مذهبی شیعه در میان اقشار مختلف مردم به موقوفات توجه خاصی داشتند. لذا از نکات مهم این دوره، وقف برای انجام مراسم

مذهبی بود.

برای نمونه حاج مهدی خان سرکار خاصه شریفه در وقفنامه‌ای که در سال ۱۱۲۹ هـ.ق تنظیم کرد، دستور داد که نه عشر درآمد حاصله از موقوفات وی را سالانه در ایام و لیالی دهه اول محرم، روز و شب اربعین، بیست و هشتم ماه صفر و روز بیست و یکم ماه رمضان صرف تعزیه سیدالشهداء علیهم‌السلام و سایر شهدای کربلا نمایند<sup>۷۷</sup>. همچنین سلطان حسین در وقفنامه مربوط به فرح‌آباد خواست تا در دهه عاشورا و ۲۱ رمضان و روز اربعین تعزیه سیدالشهداء علیهم‌السلام برگزار شود<sup>۷۸</sup>. در میان اسناد مورد بررسی، بیشترین میزان وقف جهت عزاداری در این دوره، متعلق به اسناد اصفهان است که ۸ مورد از ۵۸ مورد از وقفنامه نگهداری شده در اداره کل اوقاف این شهر برای برگزاری مراسم عزاداری وقف شده‌اند<sup>۷۹</sup>. این به خاطر آن بود که اصفهان مرکز صفوی بود و شاه و دربار در آنجا مراسم مذهبی برگزار می‌کردند. از سوی دیگر وقفنامه‌های بسیاری

## سیاست حکومت صفوی در تنزل مقام صدر

مقام صدر به علت نظارت و مسئولیت بر اراضی وقفی عایدات زیادی داشت، لذا ثروت و دارایی فراوانی برای صاحب منصب خود فراهم می‌کرد. علاوه بر آن، این مقام به خاطر وجهه اجتماعی عالی و درآمد بالا، رشک برانگیز بود. لذا این موضوع به مرور باعث تضعیف و تنزل مقام صدر شد.

در زمان شاه عباس اول برای کنترل مقام صدر، برای مدتی خود شاه مقام صدر را اداره می‌کرد تا این که در زمان شاه عباس دوم نظارت بر مقام صدر بیشتر شد.<sup>۸۱</sup> شاه عباس دوم به منظور کاهش قدرت صدر اقداماتی انجام داد. در ابتدا با عزل وزیراعظم، صدر خود (محمد مهدی صدر) را جانشین وزیر ساخت و منصب صدر را به فردی عادی داد.<sup>۸۲</sup> هدفش از این کار تبدیل مقام صدر به یک صاحب منصب اداری تحت نظر مستقیم شاه بود. ضمن آن که صدر هیچ اختیاری

موجود است که در آن قسمتی از درآمد موقوفه برای مصارف گوناگون زائران اماکن مقدس مذهبی در نظر گرفته شده است.<sup>۸۰</sup> لذا با اختصاص اموال وقفی جهت سفر به اماکن مقدسه و ساخت بناهایی برای کاروانسراها، آب انبارها، اسکان مسافران و ایجاد دارالشفای دارالضیافه باعث رونق سفرهای مذهبی و شهرهای مذهبی شد.

نکته دیگر این که انجام برخی از موقوفات در ادامه رقابت و چشم و هم‌چشمی بزرگان درباری و شاهان اواخر صفوی، برای کسب مشروعیت جایگاهشان و تظاهر نمودن به این که حامی بناهای مذهبی و فرهنگی‌اند، می‌باشد. لذا در کنار بحث تقرب به خدا به عنوان انگیزه اصلی واقف، مسأله تثبیت جایگاه، موقعیت و حفظ اموال و دارایی‌هایشان از طریق وقف نیز از انگیزه‌های آنها بود.

با سقوط دولت صفویه ساختار سیاسی، اقتصادی و دینی نهاد وقف دچار آشفتگی شد و با تسلط افاغنه و اقدامات آنها، این آشفتگی‌ها دو چندان گردید.

نسبت به اراضی موقوفات نداشت. این عمل شاه عباس دوم چند نتیجه به همراه داشت: ۱. با این کار نظارت دستگاه سلطنتی را بر درآمدهای اوقاف بیشتر از گذشته می‌کرد. ۲. جلوی افزایش داریی مقام صدر و زیردستانش گرفته می‌شد. ۳. با کنترل شدید بر درآمد اوقاف، پول بیشتری وارد خزانه سلطنتی می‌شد، در نتیجه بر درآمد شاه افزوده می‌شد. کمپفر سیاح این دوره در این زمینه می‌نویسد: «معمولاً پادشاهان صفوی ایران پس از مرگ صدر، وزیر موقوفات را به کفایت آن کار می‌گمارند که بدین ترتیب بتوانند تا می‌شود عواید این شغل بلامتصدی را شخصاً تملک کنند...»<sup>۸۳</sup>.

اقدام بعدی شاه عباس دوم، کاهش میزان درآمد و عایدات صدر بود. شاه بعد از محاسبات خود، دقیقاً آن را به نصف کاهش داد<sup>۸۴</sup>. سومین اقدام وی، بلامتصدی گذاشتن مقام صدارت بود<sup>۸۵</sup>. همچنین در عهد شاه سلیمان تقسیم مقام صدر به دو قسمت خاصه و عامه<sup>۸۶</sup> به معنای تضعیف قدرت صدر بود.

پیامدهای عمده اقدامات سلاطین متأخر صفوی در زمینه مقام صدر، باعث تنزل شدید این مقام و تبدیل آن از یک مقام سیاسی و مذهبی به یک مقام اداری ساده شد. همچنین باعث ایجاد نارضایتی در بین صاحب‌منصبان صدر و چالش‌های جدی آنها با دولت صفوی شد که در زمان سلطان حسین صفوی نمود عینی یافت.

در دوره پایانی صفوی به دنبال تحول در ساختار اداری و مذهبی دولت صفوی و با اهمیت یافتن مقام شیخ‌الاسلام و توسعه روزافزون قدرت و موقعیتش، از اقتدار صدر کاسته شد. این سیاست در دوره شاه سلطان حسین با روند بیشتری ادامه یافت و سرانجام با ایجاد منصب ملاباشی که فعال مایه‌ها در همه امور و به قول تذکره‌الملوک «سرکرده تمام مایه‌ها» بود<sup>۸۷</sup>، مقام صدر جنبه صوری و تشریفاتی پیدا کرد و در مقام ملاباشی تحلیل رفت. ملاباشی در اواخر دوره صفوی به عالی‌ترین مقام روحانی تشکیلات دولت صفوی تبدیل شد.

## نتیجه

وقف پیشینه‌ای طولانی دارد و در قرون نخستین ایران اسلامی و در عصر سلاطین آل بویه، سلجوقی و حتی ایلخانان مغول در ایران رشد کرد و در عهد سلاطین صفوی به تعالی رسید. در عصر صفوی سنت وقف به صورت یک روش فراگیر در بین خاندان شاهی، بزرگان و صاحبان املاک رشد بسیار زیادی کرد. منصب صدر که نظارت بر زمین‌های اوقاف را برعهده داشت، به‌خاطر اهمیت اوقاف و گسترش آن، به صورت یک نهاد بزرگ اقتصادی درآمد و ریاست آن از جایگاه والای برخوردار گردید. به همین دلیل از دوره شاه عباس اول به بعد نظارت خاصی بر این نهاد شد و تا حدی کنترل آن در حوزه اختیار نهاد سلطنت قرار گرفت. نهاد وقف، سیاست مذهبی شاهان صفوی را تقویت کرد و بر آن مهر تأیید زد و دولتمردان صفوی نیز نهاد وقف را استحکام بخشیدند. در واقع نهاد وقف جزء جدایی ناپذیر سیاست مذهبی این خاندان به حساب می‌آمد.

علل رشد وقف و تبدیل آن به یک نهاد سازمانی در زمان اقتدار و اوج قدرت صفوی به‌خصوص شاه عباس اول متعدد است و مهم‌ترین آن عبارتند از: امنیت سیاسی و رشد اقتصادی و فرهنگی در دوره صفوی، انگیزه‌های شاهان برای کسب مشروعیت سیاسی، مذهبی و توسعه اهداف تجاری، اقتصادی؛ انگیزه اقتصادی مالکان برای حفظ ثروت و فرار از مالیات؛ انگیزه دینی عموم برای تقرب به خدا و جبران خطاها و در نهایت رقابت و چشم و هم‌چشمی بین بزرگان و اشراف بود. در زمان سلاطین متأخر صفوی نیز با همین انگیزه‌ها، توسعه وقف ادامه یافت، علاوه بر آن کنترل بیشتری بر املاک وقفی و مقام صدر شد. سرانجام با سقوط صفوی و تسلط افغانه بر ایران، نهاد وقف و اداره املاک وقفی دچار هرج و مرج و چالش شدید شد و دوره فترتی در اداره اراضی وقفی به وجود آمد.

## پی‌نوشت‌ها:

۱. مجله گنجینه اسناد، شماره ۱۷ و ۱۸، ص ۹۹
۲. مالک و زارع در ایران، ص ۱۴۵
۳. جامع التواریخ، ج ۲، ص ۹۹۷
۴. همان
۵. فرامین قراقوینلوها و آق قوینلو، ص ۵۳
۶. زندگانی شاه اسماعیل اول، ج ۱، ص ۱۶۹
۷. لب التواریخ، ص ۴۲۲
۸. ساختار نهاد و اندیشه دینی در ایران عصر صفوی، ص ۳۱۲
۹. همان، صص ۳۱۳-۳۱۴
۱۰. مجله دانشکده ادبیات دانشگاه اصفهان، شماره ۴۰، ص ۴۳
۱۱. مجله علوم انسانی دانشگاه الزهراء ع.ا.ع.، شماره ۴۳، ص ۲۳
۱۲. مجله پژوهش‌های تاریخی، شماره ۱، ص ۲۰ و ۱۶
۱۳. جهانگشای خاقان، ص ۵۰۹
۱۴. فارسنامه ناصری، ج ۱، ص ۳۷
۱۵. ساختار نهاد و اندیشه دینی در ایران عصر صفوی، ص ۳۲۰ و صص ۳۱۳-۳۱۴
۱۶. همان، ص ۳۲۰
۱۷. خلاصه التواریخ، ج ۱، ص ۲۹۹
۱۸. همان، ص ۴۳۰
۱۹. تذکره شوشتری، ص ۱۹
۲۰. خلاصه التواریخ، ج ۱، صص ۲۸۹-۲۹۰
۲۱. تذکره شاه طهماسب، صص ۲۳-۲۴
۲۲. شاه اسماعیل دوم صفوی، صص ۱۲۶-۱۲۸ و ۱۵۴-۱۵۵
۲۳. عالم آرای عباسی، ج ۱، صص ۲۱۳ و ۲۱۴
۲۴. احسن التواریخ، ج ۱، ص ۶۴۷
۲۵. شاه اسماعیل دوم صفوی، ص ۱۲۵
۲۶. سفرنامه شاردن، ج ۴، ص ۱۳۴۰
۲۷. تاریخ عباسی یا روزنامه ملا جلال، ص ۳۲۸
۲۸. مجله وقف میراث جاویدان، شماره ۵۷، ص ۱۰۴
۲۹. مالک و زارع در ایران، ص ۲۲۳
۳۰. سلسله النسب صفوی، صص ۵-۱۱۳
۳۱. تذکره نصر آبادی، ص ۱۳۵
۳۲. عالم آرای عباسی، ج ۲، ص ۷۶۰
۳۳. همان، صص ۷۶۰-۷۶۱
۳۴. همان
۳۵. همان، صص ۷۶۱-۷۶۲
۳۶. اوقاف، صص ۹-۱۲۶
۳۷. عالم آرای عباسی، ج ۲، ص ۸۳۱
۳۸. مجله وقف میراث جاویدان، شماره ۵۷، ص ۱۱۱
۳۹. عالم آرای عباسی، ج ۲، ص ۸۵۴
۴۰. همان
۴۱. مجله وقف میراث جاویدان، شماره ۵۷، ص ۱۱۳
۴۲. عالم آرای عباسی، ج ۲، صص ۱۲-۱۱

۴۳. مجله وقف میراث جاویدان، شماره ۵۷، ص ۱۱۴ و ۱۱۶
۴۴. همان، ص ۱۱۷
۴۵. مالک و زارع در ایران، ص ۲۲۴
۴۶. تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران دوره صفوی، ص ۳۱۲؛ در باب صفویان، ص ۷۹
۴۷. ایران عصر صفوی، ص ۲۷
۴۸. در باب صفویان، ص ۸۱
۴۹. عالم آرای عباسی، ج ۱، ص ۱۴۴
۵۰. خلد برین، ص ۴۱۵
۵۱. سفرنامه تاورنیه، ص ۵۸۸
۵۲. سفرنامه کمپفر، ص ۱۲۱ و ۱۲۲
۵۳. مجله علوم انسانی دانشگاه الزهراء ع.ا.و.ج.، شماره ۴۳، ص ۲۹
۵۴. دستورالملوک، ص ۲
۵۵. تذکره الملوک، ص ۲
۵۶. همان، صص ۲-۳
۵۷. سازمان اداری حکومت صفوی، ص ۷۴؛ سفرنامه کمپفر، ص ۱۲۲ و ۱۲۳
۵۸. سفرنامه کمپفر، ص ۱۲۳
۵۹. خلاصه السیر، ص ۶۳
۶۰. همان
۶۱. سفرنامه اولتاریوس، ص ۱۳۲
۶۲. ساختار نهاد و اندیشه دینی در ایران عصر صفوی، ص ۳۲۵
۶۳. عباس نامه، ص ۳۱۶
۶۴. همان، صص ۲۲۳-۲۲۴
۶۵. همان، ص ۲۲۳
۶۶. سفرنامه شاردن، ج ۴، ص ۱۳۴۰
۶۷. ساختار نهاد و اندیشه دینی در ایران عصر صفوی، ص ۳۲۷
۶۸. همان، صص ۳۳۰-۳۳۱
۶۹. سفرنامه کمپفر، ص ۱۲۹
۷۰. همان، ص ۱۲۴
۷۱. سفرنامه سانسون، ص ۲۰۱
۷۲. سفرنامه کارری، ص ۴۲
۷۳. جامع مفیدی، ص ۶۴۷
۷۴. ساختار نهاد و اندیشه دینی در ایران عصر صفوی، ص ۳۳۲
۷۵. همان، صص ۳۳۷-۳۳۹
۷۶. مجله پژوهش‌های تاریخی، شماره ۱، ص ۱۲
۷۷. همان، ص ۱۰
۷۸. همان، ص ۱۱
۷۹. همان
۸۰. مجله پژوهش‌های تاریخی، شماره ۱، صص ۱۲-۱۳
۸۱. سازمان اداری حکومت صفوی، ص ۷۳
۸۲. عباس نامه، ص ۳۰۰
۸۳. سفرنامه کمپفر، ص ۱۲۲
۸۴. سفرنامه شاردن، ج ۴، ص ۱۳۴۳
۸۵. ایران عصر صفوی، ص ۲۱۰
۸۶. سفرنامه کمپفر، ص ۱۲۳
۸۷. تذکره الملوک، ص ۱

## منابع:

## کتاب

۱. سفرنامه اولتاریوس، آدام اولتاریوس، ترجمه: احمد بهپور، تهران: ابتکار، ۱۳۶۳.
۲. سفرنامه تاورنیه، ژان باتیست تاورنیه، ترجمه: ابوتراب نوری، تجدید نظر: حمید شیرانی، تهران: سنایی و تأیید، ۱۳۶۹.
۳. جهانگشای خاقان، به کوشش: الله دتا مضطر، اسلام آباد: مرکز تحقیقات فارسی پاکستان، ۱۳۶۴.
۴. تذکره شوشتری، سید عبدالله جزایری شوشتری، تصحیح: خان بهادر مولی بخش، تهران: کتابخانه صدر، بی تا.
۵. خلاصه التواریخ، قاضی احمد الحسینی قمی، ج ۱، تصحیح: احسان اشرافی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۹.
۶. فارسنامه ناصری، حسن حسینی فسایی، ج ۱، تصحیح: منصور رستگار فسایی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۷.
۷. خلاصه السیر، محمدمعصوم خواجگی اصفهانی، تصحیح: ایرج افشار، تهران: انتشارات علمی، ۱۳۶۸.
۸. احسن التواریخ، ج ۱، حسن بیگ روملو، تصحیح: عبدالحسین نوایی، تهران: انتشارات بابک، ۱۳۵۷.
۹. سلسله النسب صفوی، شیخ حسین بن شیخ ابدال زاهدی، برلین: چاپ ایرانشهر، ۱۳۴۳.
۱۰. ایران عصر صفوی، راجر سیوری، ترجمه: کامبیز عزیزی، تهران: سحر، ۱۳۶۶.
۱۱. در باب صفویان، راجر سیوری، ترجمه: رمضان علی روح‌اللهی، تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۰.
۱۲. سفرنامه سانسون، مارتین سانسون، ترجمه: تقی تفضلی، تهران: ابن سینا، ۱۳۴۶.
۱۳. سفرنامه شاردن، ج ۴، ژان شاردن، ترجمه: اقبال یغمایی، تهران: انتشارات توس، ۱۳۷۲.
۱۴. تذکره شاه طهماسب، شاه طهماسب، کلکته: انجمن آسیایی بنگال، ۱۳۴۳.
۱۵. اوقاف، علی اکبر شهابی، تهران: ایرانشهر، ۱۳۴۳.
۱۶. ساختار نهاد و اندیشه دینی در ایران عصر صفوی، منصور صفت گل، تهران: خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۸۱.
۱۷. زندگانی شاه اسماعیل اول، ج ۱، نصرالله فلسفی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۸.
۱۸. لب التواریخ، یحیی بن عبد الطیف قزوینی، تهران: انتشارات بنیاد گویا، ۱۳۶۳.

۱۹. سفرنامه کمپفر در دربار شاهنشاهی ایران، انگلبرت کمپفر، ترجمه: کیکاوس جهاننداری، تهران: خوارزمی، ۱۳۶۳.
۲۰. سفرنامه کاری، جملی کاری، ترجمه: عباس نخجوان و عبدالعلی کاررنگ، تبریز: اداره کل فرهنگ و هنر، ۱۳۴۸.
۲۱. مالک و زارع در ایران، آن. لمبتون آن، ترجمه: منوچهر امیری، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲.
۲۲. عالم آرای عباسی، ج ۲، اسکندریک منشی ترکمان، تصحیح: ایرج افشار، تهران: امیر کبیر، ۱۳۸۲.
۲۳. تاریخ عباسی یا روزنامه ملا جلال، ملا جلال منجم یزدی، تصحیح: سیف‌الله وحید نیا، تهران: انتشارات وحید، ۱۳۶۶.
۲۴. فرامین قراقوینلوها و آق قوینلو، حسین مدرسی طباطبایی، قم: حکمت، ۱۳۵۲.
۲۵. جامع مفیدی، محمد مفید مستوفی بافقی، تصحیح: ایرج افشار، تهران: کتابفروشی اسدی، ۱۳۴۰.
۲۶. تذکرة الملوک، میرزا سمیعا، به کوشش: محمد دبیر سیاقی، تهران: امیر کبیر، ۱۳۶۸.
۲۷. سازمان اداری حکومت صفوی، مینو رسکی، ترجمه: مسعود رجب نیا، تهران: امیر کبیر، ۱۳۶۸.
۲۸. تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران دوره صفوی، عبدالحسین نوایی و عباسقلی غفاری فرد، تهران: سمت، ۱۳۸۱.
۲۹. تذکره نصرآبادی، میرزا محمدطاهر نصرآبادی، تصحیح: وحید دستگردی، تهران: ارمغان، ۱۳۱۷.
۳۰. خلد برین، محمدیوسف واله اصفهانی، به کوشش: میرهاشم محدث، تهران: بنیاد موقوفات افشار، ۱۳۷۲.
۳۱. عباس نامه، محمدطاهر وحید قزوینی، تصحیح: ابراهیم دهگان، اراک: کتابفروشی داوودی، ۱۳۲۹.
۳۲. شاه اسماعیل دوم صفوی، والتر هیتس، ترجمه: کیکاووس جهاننداری، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۱.
۳۳. جامع التواریخ، ج ۲، رشیدالدین فضل‌الله همدانی، به اهتمام: بهمن کریمی، تهران: اقبال، ۱۳۳۸.

#### مقاله

۱. مقاله «دستورالملوک میرزا رفیعا»، به کوشش: محمدتقی دانش پژوه، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، شماره ۱۵، ۱۳۴۷.

۲. مقاله «کارکرد موقوفات در گسترش مراسم مذهبی در دوره صفوی»، نویسنده: نزهت احمدی، مجله پژوهش‌های تاریخی، دانشگاه اصفهان، شماره ۱، پاییز و زمستان ۱۳۸۵، صص ۷-۲۶.
۳. مقاله «تشیع و وقف در عصر صفوی»، نویسنده: نزهت احمدی، مجله دانشکده ادبیات دانشگاه اصفهان، شماره ۴۰، بهار ۱۳۸۴، صص ۴۱-۶۲.
۴. مقاله «سنت وقف در ایران باستان»، نویسنده: سید حسین امیدپانی، مجله گنجینه اسناد، شماره ۱۷ و ۱۸، بهار و تابستان ۱۳۷۴، صص ۹۸-۱۰۳.
۵. مقاله «وقف و سیاست ملی در دوره صفویه»، نویسنده: رابرت مک چسنی، ترجمه: گیتی عمادزاده، مجله وقف میراث جاویدان، شماره ۵۷، بهار ۱۳۸۶، صص ۱۰۲-۱۲۲.
۶. مقاله «ساختار نهاد وقف در عصر صفوی»، نویسنده: عبدالحسین نوایی و نزهت احمدی، مجله علوم انسانی دانشگاه الزهراء ع.ا.ه.، شماره ۴۳، پاییز ۱۳۸۱، صص ۲۱-۴۲.